

## بررسی قواعد فقهی در خطبه‌های امام علی (ع) با تکیه بر نهج‌البلاغه (با تاکید بر عبادات)

صبا علوی زاده شیرازی<sup>۱</sup>، محمد چمکوری<sup>۲\*</sup>، عباس بصیری<sup>۳</sup>

۱. کارشناسی ارشد فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشگاه پیام نور بوشهر sabaalavi079@gmail.com

۲. دکتری فقه و مبانی حقوق، عضو هیأت علمی گروه حقوق دانشگاه پیام نور بوشهر. (نویسنده مسئول) dr.chmkori@hotmail.com

۳. دکتری حقوق بین الملل، عضو هیأت علمی گروه حقوق دانشگاه پیام نور بوشهر basiriabbas3@yahoo.com

### چکیده

این پژوهش درصدد است بررسی قواعد فقهی در خطبه‌های امام علی (ع) با تکیه بر نهج‌البلاغه (با تاکید بر عبادات) را تبیین نموده و روش انجام تحقیق و استخراج اطلاعات روش توصیفی، تحلیلی و مبتنی بر تحقیق کتابخانه‌ای است. از نظر حضرت علی (ع) عبادت‌کنندگان چند دسته‌اند؟ اگر عبادت، از اول بر اساس طمع در نعمت دنیایی و آخرتی باشد، عبادت مزدورانه است. امیر المؤمنین علی (علیه‌السلام) می‌فرماید: «ان العباد او العبادة، کان ثلاثة: قوم عبدوا لله، خوفاً، فتلك عبادة العبيد، و قوم عبدوا لله تبارك و تعالی طلب الثواب، فتلك عبادة الاجراء، و قوم عبدوا لله تبارك و تعالی حباً له، فتلك عبادة الاحرار و هي افضل العبادة» یعنی پرستش و یا پرستش‌کنندگان سه گروه است، گروهی خداوند را از ترس می‌پرستند، پس این پرستش بندگان است، گروهی خداوند تبارک و تعالی را برای رسیدن به پاداش می‌پرستند، پس این پرستش مزدوران است و گروهی خداوند را از روی محبت می‌پرستند و این پرستش آزادگان است، و این از همه پرستش‌ها برتر است و در نهج‌البلاغه همین حدیث آمده، لکن به جای کلمه «حباً» واژه «شکراً» آمده است.

واژه‌های کلیدی: نهج‌البلاغه، خطبه‌های امام علی (ع)، قواعد فقهی، عبادات

## ۱- مقدمه

عبادت در اصطلاح قرآنی معنایی عام دارد و بسیاری از رفتارهای انسان را اگرچه پیروی از شیطان و هوای نفس باشد، در برمی‌گیرد. بر اساس آیات قرآن مفهوم عبادت شامل عبادت دیگر انسان‌ها، عبادت هوای نفس، عبادت شیطان، عبادت بت‌ها و عبادت خداوند می‌شود. مفهوم عبادت در علم فقه بر خلاف کاربرد عام قرآنی آن، فقط بر اعمال و مناسکی که به شرط قصد قربت انجام شود، اطلاق می‌شود و از آنها به احکام تعبیه نام برده می‌شود. مفهوم عبادت در عرف مردم در ضمن بعضی از مصادیق آن مانند نماز، روزه، حج، دعا و تسبیح شناخته می‌شود که از معنای قرآنی و فقهی آن محدودتر است (کورانی، ۱۹۸۹م، ص ۹).

هدف خلقت جهان، یاد و ذکر خدا و نیاز انسان به خدا از جمله دلایل عبادت قرار داده شده است. بر اساس برخی از آیات قرآن، سوره ذاریات، آیه ۵۶، سوره نحل، آیه ۳۶، هدف آفرینش جهان (جن و انس) عبودیت و بندگی خدا است؛ به همین دلیل زمانی که انسان از این هدف منحرف می‌شود، خداوند پیامبرانی را مبعوث می‌کند تا انسان را از تحت عبادت طاغوت نجات داده، به هدف اصلی خلقت خود بازگرداند (راغب اصفهانی، ۱۳۶۲، ۳۹۶-۳۹۷).

امام علی (ع) در این باره هدف بعثت پیامبر (ص) را خارج کردن بندگان خدا از عبادت بت‌ها به سوی عبادت خداوند می‌داند. اصل فلسفه تشریح عبادت، یاد و ذکر خداست که به دنبال آن یاد خود بودن و خود را باز یافتن حاصل می‌شود و انسان در اثر آن دو روشنایی و قدرت ویژه‌ای به دست می‌آورد (مطهری، ۱۳۷۲، ۱۴-۱۵).

از دیدگاه نهج‌البلاغه دنیای عبادت، دنیای دیگری است. دنیای عبادت آکنده از لذت است، لذتی که با لذت دنیای سه بعدی مادی قابل مقایسه نیست. دنیای عبادت پر از جوشش و جنبش و سیر و سفر است، اما سیر و سفری که «به مصر و عراق و شام» و یا هر شهر دیگر زمینی منتهی نمی‌شود، به شهری منتهی می‌شود «کو را نام نیست». دنیای عبادت شب و روز ندارد، زیرا همه روشنایی است، تیرگی و اندوه و کدورت ندارد، یکسره صفا و خلوص است. از نظر نهج‌البلاغه چه خوشبخت و سعادت‌مند است کسی که به این دنیا پا گذارد و نسیم جانبخش این دنیا او را نوازش دهد. آن کس که به این دنیا گام نهد، دیگر اهمیت نمی‌دهد که در دنیای ماده و جسم بر دیبا سر نهد یا بر خشت.

امام علی (علیه‌السلام) در بخشی از حکمت ۱۳۵ «نهج‌البلاغه» می‌فرماید: (کسی که توفیق دعا یابد از اجابت محروم نمی‌گردد)؛ «مَنْ أَعْطِيَ الدُّعَاءَ لَمْ يُحْرَمِ الإِجَابَةَ». زیرا این وعده الهی است که فرموده است دعا کنید تا من اجابت کنم؛ «أَسْتَجِبُ لَكُمْ». (۱) امام علی (علیه‌السلام) معتقد است که انسان همواره باید به درگاه خداوند تضرع آورد و چنان نباشد که تنها در حال عافیت اهل دعا باشد: «مَا مِنْ أَحَدٍ ابْتَلِيَ وَ إِنْ عَظَمَتْ بُلُوَاهُ بِأَحَقَّ بِالدُّعَاءِ مِنَ الْمَعْفَى الَّذِي لَا يَأْمَنُ مِنَ الْبَلَاءِ» «آنکه به بلای گرفتار آمده، هر چند گرفتاری‌اش بزرگ باشد، از آن کس که در عافیت و سلامت به سر برده و از بلا ایمنی ندارد، به دعا کردن سزاوارتر نیست».

کتاب شریف «نهج‌البلاغه» مجموعه‌ای است از خطبه‌ها، نامه‌ها و جملات کوتاه امیرالمؤمنین امام علی (علیه‌السلام) که سید رضی (م، ۴۰۶ ق) آن را براساس ذوق ادبی خویش و با معیار قرار دادن بلاغت آنها گردآوری نموده است. تاکنون درباره ابعاد مختلف این کتاب عظیم سخن بسیار گفته شده، بعد عقیدتی، فلسفی، سیاسی، اخلاقی، اجتماعی و... ولی کمتر از بعد فقهی آن سخن به میان آمده است و شاید این به خاطر آن بوده است که این بحث‌ها در سطح عموم نشر می‌شده و سخن از بعد فقهی آن باید با فقها گفته شود، و با اصطلاحات مخصوص این علم، که طبعاً همگان را مفید نخواهد بود؛ ولی هم نهج‌البلاغه از این نظر غنی است و هم می‌توان گوشه‌هایی از این بحث را آن چنان تهیه کرد که خالی از اصطلاحات پیچیده علمی، و همگان را مفید باشد.

با اینکه در نهج‌البلاغه جمله‌های فراوانی پیرامون احکام مختلف فقهی وجود دارد، جمله‌هایی راهگشا و مؤثر، ولی آنچه در درجه اول از نظر فقهی اهمیت دارد سند این خطبه‌ها و نامه‌ها و کلمات است که باید با ضوابط و ادله حجیت خبر که در علم اصول آمده است هماهنگ باشد، و بتوان در یک مسئله فقهی مربوط عبادت روی آن تکیه کرد. موضوع پژوهش حاضر بررسی

قواعد فقهی در خطبه‌های امام علی (ع) با تکیه بر نهج‌البلاغه (با تأکید بر عبادات) است که با توجه به منابع و اعتقادات موجود و به روش توصیفی تحلیلی مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرد.

## ۲- مبانی نظری پژوهش

### ۲-۱- نقش نهج‌البلاغه در «فقه اسلامی»

در مورد مسائل فقهی مخصوصاً آنچه به احکام تعبدی «واجب» و «حرام» بازمی‌گردد، چاره‌ای جز یافتن یک سند معتبر نیست، وگرنه دلالت هر اندازه قوی باشد، با فقدان سند قابل اعتماد، کاری از پیش نمی‌رود. بنابراین، نقش اعتبار سند در مسائل فقهی ظاهرتر و سرنوشت‌سازتر است، هر چند این مسأله در سایر موارد نیز دارای اهمیت است. برای راه یافتن به اعتبار «سند» یک حدیث، راه‌های شناخته شده‌ای وجود دارد که عبارتند از:

۱. معتبر بودن تمام رجال سند یک حدیث، مثلاً اگر حدیثی را مرحوم کلینی در کتاب کافی نقل کرده و میان او و امام صادق (علیه‌السلام) که گوینده اصلی حدیث است، پنج نفر واسطه هستند، باید تمام این پنج نفر افراد معتبر و موثق بوده باشند، که این کار معمولاً با مراجعه به کتب «رجال» که اصولاً برای همین هدف تدوین شده، انجام می‌گیرد؛ و پس از مراجعه به این کتب می‌بینیم که مثلاً تمام رجال سند این حدیث افراد عادل، ثقه، معتبر و شناخته شده‌اند. اما با نهایت تأسف، مرحوم «سید رضی (قدس سره الشریف)» گردآورنده بزرگ «نهج‌البلاغه» عنایتی به این امر نکرده، و اسناد این خطبه‌ها و نامه‌ها و کلمات قصار را نیاورده است، و در نتیجه نهج‌البلاغه به صورت احادیث مرسل درآمده است.

۲. راه دیگری که برای ارزیابی سند یک حدیث مورد استفاده قرار می‌گیرد، به اصطلاح «عرضه کردن بر کتاب الله» است؛ یعنی حدیث را با متن قرآن که اصلی‌ترین و قطعی‌ترین سند اسلامی است مقایسه می‌کنیم، اگر با آن هماهنگ بود آن را معتبر می‌شمریم. این روشی است که در احادیث متعددی از معصومین (علیهم‌السلام) به ما رسیده است (کتاب القضاء، ابواب صفات القاضی، باب ۹). استفاده از این روش در مورد بسیاری از احادیث نهج‌البلاغه کاملاً میسر است؛ چراکه هماهنگی عجیبی میان متحوی نهج‌البلاغه و آیات قرآنی می‌بینیم. گویی هر دو یک مطلب است با دو عبارت: یکی «کلام خالق» و دیگری «کلام مخلوق» و هر دو در اوج فصاحت، در نهایت انسجام و بلاغت، و در کمال دقت و نظم و ظرافت.

۳. راه سوم تشخیص چگونگی سند یک حدیث یا یک کتاب، «شهرت» آن در میان اصحاب و علما و بزرگان دین است، که اگر معیار این باشد، این کتاب نفیس اسلامی در اوج شهرت در میان همه‌ی علما است، و همگی با دیده‌ی عظمت به آن می‌نگرند و پیوسته در کلمات خود به مطالب مختلف آن استناد می‌جویند و روی آن تکیه می‌کنند، استنادی که بیانگر اعتماد آن‌ها به این کتاب والا قدر اسلامی است.

۴. راه دیگر برای رسیدن به اعتبار سند یک حدیث یا یک کتاب، «علو مضمون» است؛ مراد از «علو مضمون» آن است که محتوا و مضمون حدیث به قدری عالی و در سطح بالا باشد که نتوان احتمال داد از غیر معصوم صادر شده باشد و این معنی در کلمات فقهای بزرگ درباره بعضی از روایات برجسته و عالی مضمون که ظاهراً سند معتبری از آن در دست نیست گفته شده است. مثلاً مرحوم شیخ اعظم علامه انصاری در کتاب «رسائل» در بحث «حجیت خبر واحد» هنگامی که به حدیث معروف امام حسن عسکری (علیه‌السلام) در مورد «تقلید مذموم و تقلید مطلوب» می‌رسد، می‌گوید: «این حدیث گرچه حدیث مرسلی است، ولی آثار صدق از آن ظاهر و آشکار است، بنابراین نیاز به بررسی سند آن نیست».

۵. «انسجام و هماهنگی» یکی دیگر از موازین شناخت روایات صحیح است؛ منظور یکنواختی یک حدیث مجهول السند با روایات قطعی است؛ یعنی اگر کسی در اسناد خطبه‌ها و نامه‌ها و کلمات قصار نهج‌البلاغه تردید کند، حتماً منظورش «قضیه جزئی» است نه یک «قضیه کلیه» و به تعبیر دیگر مجموع این گفته‌ها «تواتر اجمالی» دارد، یعنی یقین به صدور بعضی از این‌ها داریم؛ چرا که بسیاری از خطبه‌ها مشهور است و در کتب معروف دیگر کراراً نقل شده است.

### ۲-۲- عبادت در کلام امام علی (ع) در نهج‌البلاغه

امام علی (ع) عبادت‌های مردم را با توجه به اهداف و انگیزه‌های موجود در آنها، به سه نوع تقسیم می‌کند: «إِنَّ قَوْمًا عَبَدُوا اللَّهَ رَغْبَةً فِتْلِكَ عِبَادَةُ التَّجَارِ وَ إِنَّ قَوْمًا عَبَدُوا اللَّهَ رَهْبَةً فِتْلِكَ عِبَادَةُ الْعَبِيدِ وَ إِنَّ قَوْمًا عَبَدُوا اللَّهَ شُكْرًا فِتْلِكَ عِبَادَةُ الْأَخْرَارِ».

گروهی از مردم، خدا را به خاطر دست‌یابی به نعمت‌های بهشتی می‌پرستند. حضرت علی (ع) این نوع عبادت را عبادت تاجران نام می‌گذارد؛ زیرا این افراد مانند تاجران و بازرگانان به امید دریافت سود و رسیدن به منفعت، با دیگران داد و ستد می‌کنند. گروهی دیگر به خاطر ترس از عذاب جهنم و برای رهایی از سختی‌های آخرت، به عبادت خدا روی می‌آورند. این نوع عبادت، عبادت بردگان است؛ زیرا بردگان از روی ترس و به خاطر تنبیه نشدن، دستورات صاحب خود را اطاعت کرده و از او پیروی می‌کنند. اما گروهی از بندگان، خدا را برای شکرگذاری از او عبادت می‌کنند (یعنی او را شایسته عبادت دیده و عبادت را صرفاً به خاطر خود خدا انجام می‌دهند). این نوع عبادت، عبادت آزادمردان و آزادگان است. این افراد خدا را با معرفت و اخلاص عبادت می‌کنند و این نوع، برترین و بهترین نوع عبادت است (نهج البلاغه: ۵۱۰).

ذکر این نکته بديهی است که عبادتی که به نیت ریا و خودنمایی باشد، اساساً عبادت نیست تا در این تقسیم‌بندی بگنجد و این تقسیم‌بندی تنها در مورد عباداتی است که مقبول حق واقع می‌شوند اما درجات مختلفی دارند.

از نظر نهج البلاغه، عبادت تنها انجام یک سلسله اعمال خشک و بی روح نیست. اعمال بدنی صورت و پیکره عبادت است، روح و معنی چیز دیگر است، اعمال بدنی آنگاه زنده و جاندار است و شایسته نام واقعی عبادت است که با آن روح و معنی توأم باشد. عبادت واقعی نوعی خروج و انتقال از دنیای سه بعدی و قدم نهادن در دنیایی دیگر است، دنیایی که به نوبه خود پر است از جوشش و جنبش، و از واردات قلبی و لذت‌های خاص به خود. در نهج البلاغه مطالب مربوط به اهل سلوک و عبادت فراوان آمده است به عبارت دیگر ترسیم‌ها از چهره عبادت و عبادت پیشگان شده است، گاهی سیمای عباد و سلاک از نظر شب زنده داریها، خوف و خشیتها، شوق و لذت‌ها، سوز و گدازها، آه و ناله‌ها، تلاوت قرآن‌ها ترسیم و نقاشی شده است، گاهی واردات قلبی و عنایات غیبی که در پرتو عبادت و مراقبه و جهاد نفس نصیب‌شان می‌گردد بیان شده است، گاهی تاثیر عبادت از نظر گناه‌زدائی و محو آثار تیره گناهان مورد بحث قرار گرفته است، گاهی به اثر عبادت از نظر درمان پاره‌ای از بیماری‌های اخلاقی و عقده‌های روانی اشاره شده است و گاهی ذکری از لذت‌ها و بهجت‌های خالص و بی شائبه و بی رقیب عباد و زهاد و سالکان راه به میان آمده است.

## ۲-۳- تلقی نهج البلاغه از عبادت

تلقی نهج البلاغه از عبادت تلقی عارفانه است. بلکه سرچشمه و الهام‌بخش تلقی‌های عارفانه از عبادت‌ها در جهان اسلام، پس از قرآن مجید و سنت رسول اکرم کلمات علی و عبادت‌های عارفانه علی است. سبعة معلقه و نهج البلاغه دو نسل متوالی هستند. هر دو نسل، نمونه فصاحت و بلاغت‌اند اما از نظر محتوا تفاوت از زمین تا آسمان است. در آن یکی هرچه هست وصف اسب است و نیزه و شتر و شبیخون و چشم و ابرو و معاشقه و مدح و هجو افراد و در این یکی عالی‌ترین مفاهیم انسانی. اکنون برای این که نوع تلقی نهج البلاغه از عبادت روشن شود، به ذکر نمونه‌هایی از کلمات علی (علیه‌السلام) می‌پردازیم و سخن خود را با جمله ای آغاز می‌کنیم که درباره تفاوت تلقی‌های مردم از عبادت گفته شده است.

## ۲-۳-۱- عبادت آزادگان

«ان قوما عبدوا الله رغبة فتلك عبادة التجار، و ان قوما عبدوا الله رهبة فتلك عبادة العبيد، و ان قوما عبدوا الله شكرا فتلك عبادة الاحرار (نهج البلاغه، کلمات قصار، حکمت ۲۲۹)؛ همانا گروهی خدای را به انگیزه پاداش می‌پرستند، این عبادت تجارت‌پیشگان است، و گروهی او را از ترس می‌پرستند، این عبادت، عبادت برده‌صفتان است، و گروهی او را برای آن که او را سپاسگزاری کرده باشند می‌پرستند، این عبادت آزادگان است.»

## ۲-۳-۲- یاد حق

علی در باره یاد حق که روح عبادت است چنین می‌فرماید: «ان الله سبحانه و تعالی جعل الذكر جلاء للقلوب، تسمع به بعد الوقرة و تبصر به بعد العشوة و تنقاد به بعد المعاندة و ما برح لله- عزت الاؤه- في البرهه بعد البرهه و في ازمان الفترات عباد

ناجاهم فی فکرهم و کلمهم فی ذات عقولهم! خداوند یاد خود را صیقل دل‌ها قرار داده است. دل‌ها بدین وسیله از پس کری، شنوا و از پس نابینایی، بینا و از پس سرکشی و عناد رام می‌گردند».

همواره چنین بوده و هست که خداوند متعال در هر برهه‌ای از زمان و در زمان‌هایی که پیامبری در میان مردم نبوده است، بندگانی داشته و دارد که در سر ضمیر آنها با آنها راز می‌گوید و از راه عقل‌هایشان با آنان تکلم می‌کند. در این کلمات خاصیت عجیب و تاثیر شگرف یاد حق در دل‌ها بیان شده است تا جایی که دل قابل الهام‌گیری و مکالمه با خدا می‌گردد.

### ۲-۳-۳- شب مردان خدا

از دیدگاه نهج‌البلاغه دنیای عبادت، دنیای دیگری است. دنیای عبادت آکنده از لذت است، لذتی که با لذت دنیای سه بُعدی مادی قابل مقایسه نیست. دنیای عبادت پر از جوشش و جنبش و سیر و سفر است، اما سیر و سفری که «به مصر و عراق و شام» و یا هر شهر دیگر زمینی منتهی نمی‌شود، به شهری منتهی می‌شود «کو را نام نیست». دنیای عبادت شب و روز ندارد، زیرا همه روشنایی است، تیرگی و اندوه و کدورت ندارد، یکسره صفا و خلوص است. از نظر نهج‌البلاغه چه خوشبخت و سعادت‌مند است کسی که به این دنیا پا گذارد و نسیم جنبش این دنیا او را نوازش دهد. آن کس که به این دنیا گام نهد، دیگر اهمیت نمی‌دهد که در دنیای ماده و جسم بر دیبا سر نهد یا بر خشت.

### ۲-۴- ترسیم چهره عبادت و عباد در نهج‌البلاغه

از نظر نهج‌البلاغه عبادت تنها انجام یک سلسله اعمال خشک و بی‌روح نیست. گاهی تاثیر عبادت از نظر «گناه‌زدایی» و محو آثار تیره گناهان مورد بحث قرار گرفته است، گاهی به اثر عبادت از نظر درمان پاره‌ای بیماری‌های اخلاقی و عقده‌های روانی اشاره شده است و گاهی ذکری از لذت‌ها و بهجت‌های خالص و بی‌شائبه و بی‌رقیب عباد و زهاد و سالکان راه به میان آمده است.

### ۲-۴-۱- شب زنده داری‌ها

اما اللیل فصافون اقدامهم تالین لاجزاء القران یرتلونه ترتیلا، یحزنون به انفسهم و یستثیرون به دواء دائهم، فاذا مروا بآیة فیها تشویق رکنوا الیها طمعا و تطلعت نفوسهم الیها شوقا و ظنوا انها نصب اعینهم، و اذا مروا بآیة فیها تخویف اصغوا الیها مسامع قلوبهم و ظنوا ان زفر جهنم و شهیقها فی اصول آذانهم، فهم حانون علی اوساطهم، مفترشون لجباههم و اکفهم و رکبهم و اطراف اقدامهم، یطلبون الی الله تعالی فی فکاک رقابهم، و اما النهار فحلما علماء ابرار اتقیاء.<sup>۲</sup>

شب‌ها پاهای خود را برای عبادت جفت می‌کنند، آیات قرآن را با آرامی و شمرده شمرده تلاوت می‌نمایند، با زمزمه آن آیات و دقت در معنی آنها غمی عارفانه در دل خود ایجاد می‌کنند و دواهای دردهای خویش را بدین وسیله ظاهر می‌سازند، هر چه از زبان قرآن می‌شنوند مثل این است که به چشم می‌بینند. هر گاه به آیه‌ای از آیات رحمت می‌رسند بدان طمع می‌بندند و قلبشان از شوق لبریز می‌گردد، چنین می‌نماید که نصب العین آنهاست، و چون به آیه‌ای از آیات قهر و غضب می‌رسند بدان گوش فرا می‌دهند و مانند این است که آهنگ بالا و پایین رفتن شعله‌های جهنم به گوششان می‌رسد، کمرها را به عبادت خم کرده و پیشانی‌ها و کف دست‌ها و زانوها و سر انگشت پاها به خاک می‌سایند و از خداوند آزادی خویش را می‌طلبند. همین‌ها که چنین شب زنده‌داری می‌کنند و تا این حد روحشان به دنیای دیگر پیوسته است، روزها مردانی هستند اجتماعی، بردبار، دانا، نیک و پارسا (غرر الحکم و درر الکلم، ص ۱۹۸، ح ۳۹۳۵).

### ۲-۴-۲- واردات قلبی

قد احيى عقله و امات نفسه، حتى دق جليله و لطف غليظه و برق له لامع كثير البرق، فابان له الطريق و سلك به السبيل و تدافعت الابواب الی باب السلامة و دار الاقامة، و ثبتت رجلاه بطمانينة بدنه فی قرار الامن و الراحة بما استعمل قلبه و ارضى ربه؟<sup>۳</sup>

۱. خطبه ۲۱۳

۲. خطبه ۱۸۴

۳. خطبه ۲۱۰

عقل خویش را زنده و نفس خویش را میرانده است، تا آنجا که ستبری‌های بدن تبدیل به نازکی و خشونت‌های روح تبدیل به نرمی شده است و برق پر نوری بر قلب او جهیده و راه را بر او روشن و او را به رهروی سوق داده است. پیوسته از این منزل به آن منزل برده شده است تا به آخرین منزل که منزل سلامت و بارانداز اقامت است رسیده و پاهایش همراه بدن آرام او در قرارگاه امن و آسایش، ثابت ایستاده است. این همه به موجب این است که دل و ضمیر خود را به کارگرفته و پروردگار خویش را خشنود ساخته است.

در این جمله‌ها- چنان که می‌بینیم- سخن از زندگی دیگری است که زندگی عقل خوانده شده است، سخن از مجاهده و میراندن نفس اماره است، سخن از ریاضت بدن و روح است، سخن از برقی است که بر اثر مجاهده در دل سالک می‌جهد و دنیای او را روشن می‌کند، سخن از منازل و مراحل است که یک روح مشتاق و سالک به ترتیب طی می‌کند تا به منزل مقصود که آخرین حد سیر و صعود معنوی بشر است می‌رسد «یا ایها الناس انک کادح الی ربک کدحا فملاقیه»، سخن از طمانینه و آرامشی است که نصیب قلب ناآرام و پر اضطراب و پر ظرفیت بشر در نهایت امر می‌گردد الا بذكر الله تطمئن القلوب.<sup>۵</sup> در خطبه ۲۲۱ اهتمام این طبقه به زندگی دل‌چنین توصیف شده است: «یرون اهل الدنيا یعظمون موت اجسادهم و هم اشد اعظاما لموت قلوب احیائهم؛ اهل دنیا، مردن بدن خویش را بزرگ می‌شمارند اما آنها برای مردن دل خودشان اهمیت قائل هستند و آن را بزرگتر می‌شمارند».

خلسه‌ها و جذب‌هایی که روح‌هایی مستعد را می‌رباید و بدان سوم کشد، این چنین بیان شده است: «صحباو الدنيا بابدان ارواحها معلقه بالمحل الاعلی؛ با دنیا و اهل دنیا با بدن‌هایی معاشرت کردند که روح‌های آن بدن‌ها به بالاترین جایگاهها پیوسته بود».

«لو لا الاجل الذی کتب الله علیهم لم تستقر ارواحهم فی اجسادهم طرفه عین شوقا الی الثواب و خوفا من العقاب؛ اگر اجل مقدر و محتوم آنها نبود، روح‌های آنها در بدن‌هاشان یک چشم به هم زدن باقی نمی‌ماند از شدت عشق و شوق به کرامت‌های الهی و خوف از عقوبت‌های او».

«قد اخلص لله فاستخلصه؛ او خود را و عمل خود را برای خدا خالص کرده است، خداوند نیز به لطف و عنایت خاص خویش او را مخصوص خویش قرار داده است».

علوم افاضی و اشراقی که در نتیجه تهذیب نفس و طی طریق عبودیت بر قلب سالکان راه سرازیر می‌شود و یقین جازمی که نصیب آنان می‌گردد، این چنین بیان شده است:

«هجم بهم العلم علی حقیقه البصیره و باشروا روح الیقین و استلنوا ما استوعره المترفون و انسوا بما استوحش منه الجاهلون؛ علمی که بر پایه بینش کامل است بر قلب‌های آنان هجوم آورده است، روح یقین را لمس کرده‌اند، آنچه بر اهل تنعم سخت و دشوار است بر آنان نرم گشته است و با آن چیزی که جاهلان از آن در وحشتند انس گرفته‌اند»؟

## ۲-۴-۳- گناه زدایی

در نهج‌البلاغه خطبه‌ای هست که درباره نماز، زکات و اداء امانت بحث کرده است. پس از توصیه و تاکیدهایی درباره نماز، می‌فرماید: و انها لتحت الذنوب حت الورق و تطلقها اطلاق الربق و شبهها رسول الله صلی الله علیه و آله بالحمه تكون علی باب الرجل فهو یغتسل منها فی الیوم و اللیله خمس مرات، فما عسی ان یرقی علیه من الدرر؟<sup>۴</sup>

۴. انشقاق/ ۶

۵. رعد/ ۲۸

۶. حکمت ۱۳۹

۷. خطبه ۱۸۴

۸. خطبه ۸۶

۹. خطبه ۱۳۹

۱۰. خطبه ۱۹۰

نماز گناهان را مانند برگ درختان می‌ریزد و گردن‌ها را از ریسمان گناه آزاد می‌سازد. پیامبر خدا نماز را به چشمه آب گرم که بر در خانه شخص باشد و روزی پنج نوبت خود را در آن شستشو دهد تشبیه فرمود. آیا با چنین شستشوها چیزی از آلودگی بر بدن باقی می‌ماند؟

## ۲-۴-۴- درمان اخلاقی

در خطبه ۲۳۴ پس از اشاره به پاره‌ای از اخلاق رذیله از قبیل سرکشی، ظلم و کبر می‌فرماید: «و عن ذلک ما حرس الله عباده المؤمنین بالصلوات و الزکوات و مجاهدۃ الصیام فی الایام المفروضات تسکینا لاطرافهم و تخشيعا لابصارهم و تذلیلا لنفوسهم و تخفیضا لقلوبهم و اذهابا للخیلاء عنهم».

چون بشر در معرض این آفات اخلاقی و بیماری‌های روانی است، خداوند به وسیله نمازها و زکات‌ها و روزه‌ها بندگان مؤمن خود را از این آفات حراست و نگهداری کرد. این عبادات دست‌ها و پاها را از گناه باز می‌دارند، چشم‌ها را از خیرگی بازداشته به آنها خشوع می‌بخشند، نفوس را رام می‌گردانند، دل‌ها را متواضع می‌نمایند و باد دماغ را زایل می‌سازند.

## ۲-۴-۵- انس و لذت

«اللهم انک انس الانسین لاولیاءک و احضرهم بالكفایۃ للمتوکلین علیک، تشاهدہم فی سرائرہم و تطلع علیہم فی ضمائرہم و تعلم مبلغ بصائرہم، فاسررہم لک مکشوفۃ و قلوبہم الیک ملہوفۃ، ان اوحشتہم الغریبۃ انسہم ذکرک و ان صبت علیہم المصائب لجوا الی الاستجارۃ بک؛ پروردگارا، تو از هر انیسی برای دوستان انیس‌تری و از همه آنها برای کسانی که به تو اعتماد کنند برای کارگزاری آماده‌تری. آنان را در باطن دلشان مشاهده می‌کنی و در اعماق ضمیرشان بر حال آنان آگاهی و میزان بصیرت و معرفتشان را می‌دانی. رازهای آنان نزد تو آشکار است و دل‌های آنها در فراق تو بیتاب است. اگر تنهایی سبب وحشت آنان گردد، یاد تو مونسشان است و اگر سختی‌ها بر آنان فرو ریزد به تو پناه می‌برند».

«و ان للذکر لاهلا اخذوه من الدنیا بدلا؛ همانا یاد خدا افراد شایسته‌ای دارد که آن را به جای همه نعمت‌های دنیا انتخاب کرده‌اند».

## انس و لذت در پرتو عبادت از نظر امام علی علیه‌السلام: امام علی علیه‌السلام در خطبه ۲۲۷ می‌فرماید: اللهم انک

انس الانسین لاولیائک، و احضرہم بالكفایۃ للمتوکلین علیک. تشاهدہم فی سرائرہم، و تطلع علیہم فی ضمائرہم، و تعلم مبلغ بصائرہم. فاسررہم لک مکشوفۃ، و قلوبہم الیک ملہوف. ان اوحشتہم الغریبۃ انسہم ذکرک، و ان صبت علیہم المصائب لجووا الی الاستجارۃ بک؛ پروردگارا تو از هر انیسی برای دوستان انیس‌تری، و از همه آنها برای کسانی که به تو اعتماد کنند برای کارگزاری آماده‌تری، آنان را در باطن دلشان مشاهده می‌کنی و در اعماق ضمیرشان بر حال آنان آگاهی و میزان بصیرت و معرفتشان را می‌دانی، رازهای آنان نزد تو آشکار است و دل‌های آنها در فراق تو بیتاب است. اگر تنهایی سبب وحشت آنان گردد یاد تو مونسشان است و اگر سختی‌ها بر آنان فرو ریزد به تو پناه می‌برند. و ان للذکر لاهلا اخذوه عن الدنیا بدلا؛ همانا یاد خدا افراد شایسته‌ای دارد که آن را به جای همه نعمت‌های دنیا انتخاب کرده‌اند (خطبه/۲۲۲).

پس دو مطلب گفتیم؛ ثبوتاً گفتیم دو حالت دارد؛ یک حالت آن مصداق امر به معروف است و حالت دیگر آن مصداق امر به معروف نیست، اثباتاً در مقام تکلیف سه حالت دارد؛ یا می‌داند از قبیل اول است، باید امر کند، یا می‌داند از قبیل دوم است و امر و نهی و الزام نیست و باید به مراتبی برود که امر و نهی است ولی مراتب پایین است، یا برود به سمت ارشاد که امر و نهی مطلقاً و یا بعضی مراتبش منتفی می‌شود، اگر هم شک کند بعید نیست بگوییم چون احتمال دارد که از قبیل اول باشد و اثر کند باید انجام دهد.

## ۲-۵- اهمیت عبادت و بندگی از دیدگاه علی علیه‌السلام

<sup>۱۱</sup>. خطبه ۲۱۸

<sup>۱۲</sup>. خطبه ۲۱۳

در روایات، از جمله کلمات امیر عابدان، علی علیه السلام تعبیرات زیبایی درباره عبادت آمده است که به نمونه‌هایی اشاره می‌شود:

محبوب خدا: امام علی علیه السلام فرمود: «إِذَا أَحَبَّ اللَّهُ عَبْدًا أَلْهَمَهُ حُسْنَ الْعِبَادَةِ؛ هرگاه خداوند بنده‌ای را دوست بدارد، خوب عبادت کردن را به او الهام می‌کند».

قرب الهی: امیرمؤمنان علیه السلام فرمود: «مَا تَقَرَّبَ مُتَقَرَّبًا بِمِثْلِ عِبَادَةِ اللَّهِ؛ نزدیک نشده است نزدیک‌شونده‌ای [به خداوند متعال] به [وسیله‌ای] مانند عبادت خداوند».

فضیلت بزرگان: بزرگی به مال و حسب و نسب نیست، بلکه «فَضِيلَةُ السَّادَةِ حُسْنُ الْعِبَادَةِ؛ (۴) برتری سروران (و بزرگان) نیکو عبادت نمودن است» (غرر الحکم و درر الکلم، ص ۱۹۸، ح ۳۹۳۵).

حُرّ واقعی: آزاد واقعی کسی است که از بند هوس رسته و به بندگی مولای حقیقی در آمده است. امام علی علیه السلام فرمود: «مَنْ قَامَ بِشَرَائِطِ الْعُبُودِيَّةِ أَهْلًا لِلْعِتْقِ؛ هرکس به شرایط بندگی قیام کند، اهلیت (و سزاواری) آزادگی یافته است» (احسان بخش، صادق، ج ۱۲، ص ۲۹۸).

## ۲-۵-۱- ویژگی‌های عبادت امام علی علیه السلام

جامعیت اوصاف علی علیه السلام در جامعیت عبادت او نهفته است. اگر آن حضرت تمامی آنچه را که خوبان عالم دارند، داراست، بخاطر آن است که عبادت او تمام اوصاف بایسته و شایسته عبادات را در خود فراهم آورده و برخوردار است که به نمونه‌هایی اشاره می‌شود.

۱. عبادت آگاهانه: از مهم‌ترین ویژگی یک عبادت برتر این است که عابد آن آگاه به معبود و آگاه به مسئولیت خویش و زمان خود باشد و گرنه، نه تنها ثمربخش نخواهد بود که خطرناک و انحراف‌آور است.

امام علی علیه السلام این حقیقت را با زبانها و بیانهای مختلفی گوشزد و بیان می‌نمود، گاه می‌فرمود: «الْمُتَعَبِّدُ عَلَى غَيْرِ فِقْهِ كَجِمَارِ الطَّاحُونَةِ يَدُورُ وَلَا يَبْرَحُ وَ رُكْعَتَانِ مِنْ عَالِمٍ خَيْرٌ مِنْ سَبْعِينَ رُكْعَةً مِنْ جَاهِلٍ لِأَنَّ الْعَالِمَ تَأْتِيهِ الْفِتْنَةُ فَيَخْرُجُ مِنْهَا يَعْلَمُهَا وَ تَأْتِي الْجَاهِلُ فَتَنْسِفُهُ نَسْفًا وَ قَلِيلُ الْعَمَلِ مَعَ كَثِيرِ الْعِلْمِ خَيْرٌ مِنْ كَثِيرِ الْعَمَلِ مَعَ قَلِيلِ الْعِلْمِ وَ الشُّكُّ وَ الشُّبُهَةُ؛ پرستشگر نادان همچون خر آسیاب است که به گرد خود می‌گردد و گامی به پیش نمی‌رود و دو رکعت (نماز) از شخص عالم برتر از هفتاد رکعت نماز نادان است؛ زیرا عالم وقتی گرفتار فتنه شود، با علم خود از آن بیرون می‌آید، ولی جاهل وقتی دچار فتنه گردد، غرق شود. و عمل اندک با علم زیاد بهتر از عمل بسیار با علم اندک همراه با شک و تردید می‌باشد» (شیخ عباس قمی، ج ۲، ص ۱۱۴).

و گاهی آن حضرت اعلام خطر می‌کرد که «مَنْ عَبَدَ اللَّهَ بِغَيْرِ عِلْمٍ كَفَرَ مِنْ حَيْثُ لَا يَعْلَمُ؛ هر کس بدون آگاهی و معرفت خدا را عبادت کند، از جایی که خود نمی‌داند سر از کفر درمی‌آورد». مصداق بارز این حدیث در تاریخ اسلام، خوارج است که با آن همه عبادت بر علیه امام زمان خویش قیام کردند. اگر هم جاهلی به چنان خطری دچار نشود، لااقل بهره کافی از عبادت نمی‌برد؛ چنان که علی علیه السلام فرمود: «لَا خَيْرَ فِي عِبَادَةِ لَيْسَ فِيهَا تَفَقُّهُ؛ عبادتی که آگاهانه نباشد، خیری در آن نیست» (تحف العقول، ص ۲۰۴).

و گاه دردمندانه سفارش می‌فرمود: «سَكَّنُوا فِي أَنْفُسِكُمْ مَعْرِفَةَ مَا تَعْبُدُونَ حَتَّى يَنْفَعَكُمْ مَا تُحَرِّكُونَ مِنَ الْجَوَارِحِ بِعِبَادَةِ مَنْ تَعْرِفُونَ؛ معرفت و شناخت آن کس را که می‌پرستید، در جان خود جای دهید تا حرکت‌های بدنی که برای عبادت معبود شناخته شده خویش تحمل می‌کنید، شما را سود رسانند» (بحار الانوار، ج ۷۵، ص ۶۳).

۲. عبادت عاشقانه: در روایتی، عبادت را به سه گونه تقسیم نموده: عبادت بردگان که ناشی از ترس است، و عبادت تاجران که برای رسیدن به بهشت است، و عبادت آزادمردان، و آن‌گاه می‌فرماید: «وَ قَوْمٌ عَبَدُوا اللَّهَ حُبًّا لَهُ فَتِلْكَ عِبَادَةُ الْأَحْرَارِ وَ هِيَ أَفْضَلُ الْعِبَادَةِ؛ و گروهی خدا را به خاطر دوستی (و عشق) او می‌پرستند، پس این گونه عبادت، عبادت آزادمردان است و برترین عبادت هم همین است» و در جای دیگر فرمود: «لَوْ لَمْ يَتَوَعَّدِ اللَّهُ عَلَى مَعْصِيَتِهِ لَكَانَ يَجِبُ أَنْ لَا يُعْصَى شُكْرًا لِإِنْعَامِهِ؛ اگر [افرضا]



خداوند کیفری برای معصیت خود معین نکرده بود، سپاس‌گزاری از نعمتش ایجاب می‌کرد که از فرمانش سرپیچی نشود» (الکافی، ج ۲، ص ۸۴، ح ۵).

۳. عبادت خاشعانه: نماز یکی از مهم‌ترین عبادات است و از ویژگی‌های مهم یک نماز مطلوب این است که انسان در حال نماز، خضوع و خشوع داشته باشد. هم اعضا و اندام در خدمت نماز باشد و هم دل در گرو خداوند. قرآن کریم درباره مؤمنان می‌فرماید: «قَدْ أَفْلَحَ الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ هُمْ فِي صَلَاتِهِمْ خَاشِعُونَ»؛ «به راستی که ایمان‌آوردگان رستگار شدند؛ همانان که در نماز خود [فروتن] و خاشع‌اند»<sup>۱۳</sup>.

علی علیه‌السلام بر این ویژگی نیز تأکید دارد و به دیگران سفارش می‌فرماید که «لِيَخْشَعَ الرَّجُلُ فِي صَلَاتِهِ، فَإِنَّهُ مَنْ خَشَعَ قَلْبُهُ لِلَّهِ عَزَّوَجَلَّ خَشَعَتْ جَوَارِحُهُ فَلَا يَعْثُ بِشَيْءٍ؛ آدمی باید در نمازش خشوع داشته باشد؛ زیرا کسی که قلبش برای خدای عزیز و جلیل خاشع شد، همه اعضا و اندامش نیز خاشع گردد. پس با چیزی سرگرم و مشغول نمی‌شود» (بحار الانوار، ج ۸۱، ص ۲۳۹؛ آثار الصادقین، ج ۱۱، ص ۱۰۷).

۴. عبادت خالصانه: آن‌گاه که معرفت و عشق وجود انسان را فرا گرفت، بوی شرک و ریا نیز از انسان دور می‌شود و عبادت رنگ خلوص به خود خواهد گرفت. علی علیه‌السلام عبادت خالصانه را این‌گونه توصیف می‌کند: «الْعِبَادَةُ الْخَالِصَةُ أَنْ لَا يَرْجُو الرَّجُلُ إِلَّا رَبَّهُ وَ لَا يَخَافُ إِلَّا ذَنْبَهُ؛ عبادت خالص آن است که آدمی فقط به پروردگارش امید داشته باشد و جز از گناهش نترسد» (غرر الحکم و درر الکلم، ص ۱۹۹). از آنجا که یقین و باور علی علیه‌السلام در بالاترین قله معرفت قرار دارد، اخلاص او نیز چنین است؛ چرا که خود فرمود: «سَبَبُ الْإِخْلَاصِ الْيَقِينُ؛ سبب و علت اخلاص ورزیدن، باور است» (همان منبع). و در جای دیگر فرمود: «تَمَرَةُ الْعِلْمِ إِخْلَاصُ الْعَمَلِ؛ میوه علم و دانش، خالص نمودن عمل است».

۵. عبادت مستمر: امام علی علیه‌السلام می‌فرماید: «دَوَامُ الْعِبَادَةِ بُرْهَانُ الظَّفَرِ وَ السَّعَادَةِ وَ دَوَامُ الشُّكْرِ عُنْوَانُ ذَرْكَ الزِّيَادَةِ؛ عبادت دائمی دلیل پیروزی و نیک‌بختی است و سپاس‌گذاری همیشگی، نشانه دریافت فروزی [نعمت] می‌باشد» (آثار الصادقین، ج ۱۲، ص ۳۰۱؛ ناسخ التواریخ، ج ۶، ص ۱۸۷).

و فرمود: «قَلِيلٌ تَدْوَمُ عَلَيْهِ أَرْجَى مِنْ كَثِيرٍ مَمْلُولٍ مِنْهُ؛ [عمل] اندکی که به آن ادامه می‌دهی، امید [سوددهی] به آن بیشتر از کار بسیاری است که ملال آور [و غیر دائمی] است».

۶. میانه‌روی در عبادت: نکته دیگری که مولا علی علیه‌السلام به آن توجه دارد، اقتصاد و میانه‌روی در عبادات است؛ یعنی انسان به قدری که توان دارد و حال و نشاط او را یاری می‌کند، به عبادت بپردازد و از افراط و تفریط پرهیز نماید. در بخشی از وصیت‌نامه آن حضرت به فرزندش می‌خوانیم: «وَ أَقْتَصِدْ فِي عِبَادَتِكَ وَ عَلَيْكَ فِيهَا بِالْأَمْرِ الدَّائِمِ الَّذِي تُطِيقُهُ؛ [پسرم!] در انجام عبادت میانه‌رو باش و بر تو لازم است که در انجام عبادت روش دائمی که توانش را داری، پیشه سازی» (همان منبع).

## ۲-۵-۲- برترین عبادات از دیدگاه امیرالمؤمنین

در این بخش به نمونه‌هایی از برترین عبادات از دیدگاه امیر موحدان علیه‌السلام اشاره می‌کنیم. رکوع و سجود: از میان عبادات، برترین عبادتی که انسان را بیشتر به خداوند نزدیک می‌کند، رکوع و سجود است. آن حضرت می‌فرماید: «نِعْمَ الْعِبَادَةُ السُّجُودُ وَ الرَّكُوعُ؛ بهترین عبادت سجده و رکوع است». انجام واجبات: آن حضرت فرمود: «وَلَا عِبَادَةَ كَأَدَاءِ الْفَرَائِضِ؛ هیچ عبادتی همچون انجام دادن واجبات نیست» (نهج البلاغه، حکمت ۱۱۳).

این نکته درخور دقت است، مخصوصاً در جامعه امروزی که خیلی‌ها دنبال انجام کارهای غیر واجب و ترک واجبات هستند. ایام عاشورا خرج می‌دهند، ولی خمس مال خویش را نمی‌پردازند. شب‌ها تا دیروقت عزاداری می‌کنند، ولی نماز صبح از دست می‌رود. هر سال به مشهد و عمره... می‌روند، اما زکات و خمس را نمی‌پردازند و ...

<sup>۱۳</sup> مؤمنون / ۱-۲

اندیشیدن: امام علی علیه السلام می فرماید: «أَفْضَلُ الْعِبَادَةِ الْفِكْرُ؛ برترین عبادت تفکر است» و علم و دانش نیز که باعث پرورش اندیشه می شود، مشمول این برتری خواهد شد؛ چنان که حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمود: «أَفْضَلُ الْعِبَادَةِ الْفِقْهُ؛ برترین عبادت فهم [دین] است» (غررالحکم و دررالکلم، ۵۶، ح ۵۳۲).

اخلاص: حضرت علی علیه السلام فرمود: «أَفْضَلُ الْعِبَادَةِ الْإِخْلَاصُ؛ برترین عبادت اخلاص است.»

«أَفْضَلُ الْعِبَادَةِ الْعِيفَاءُ؛ برترین عبادت پاکدامنی است.»

«أَلْزَهَادَةُ؛ برترین عبادت زهدورزی است.»

«فروتنی در مقابل اوست» (بحار الانوار، ج ۷۵، ص ۲۴۷؛ تحف العقول، ص ۴۲۴).

### ۳- نتیجه گیری

از نظر حضرت علی (ع) عبادت کنندگان چند دسته اند؟ اگر عبادت، از اول بر اساس طمع در نعمت دنیایی و آخرتی باشد، عبادت مزدورانه است. امیر المؤمنین علی علیه السلام می فرماید: «ان العباد او العبادة، کان ثلاثة: قوم عبدوا لله، خوفاً، فتلك عبادة العبيد، و قوم عبدوا لله تبارك و تعالی طلب الثواب، فتلك عبادة الاجراء، و قوم عبدوا لله تبارك و تعالی حبا له، فتلك عبادة الاحرار و هي افضل العبادة» یعنی پرستش و یا پرستش کنندگان سه گروه است، گروهی خداوند را از ترس می پرستند، پس این پرستش بندگان است، گروهی خداوند تبارک و تعالی را برای رسیدن به پاداش می پرستند، پس این پرستش مزدوران است و گروهی خداوند را از روی محبت می پرستند، این پرستش آزادگان است و این از همه پرستش ها برتر است و در نهج البلاغه همین حدیث آمده لکن به جای کلمه «حبا» واژه «شکراً» آمده است.

برای مشخص شدن ماهیت و چیستی عبادت حبتی و سپاسی، در ابتداء باید گفت: اولاً: اساساً عبادت و پرستش خداوند در واقع، کامل ترین جلوه گاه آزادی انسان از قید اسارت و هواهای نفسانی است. و عبد از نظر لغت، به انسانی گفته می شود که سر تا پا تعلق به مولا و صاحب خود دارد، اراده اش تابع اراده او و خواستش تابع خواست او است. در برابر او مالک چیزی نیست و در اطاعت او هرگز سستی به خود راه نمی دهد. به تعبیر دیگر، عبودیت آن گونه که در متون دینی آمده، اظهار آخرین درجه خضوع در برابر معبود است و به همین دلیل تنها کسی می تواند، معبود باشد که نهایت سزاواری و شایستگی هر نوع کمال از آن او بوده و تمام نعمت هایی که به انسان می رسد از او باشد.

انسان وقتی در برابر چنین وجودی، نیایش و کرنش و خضوع و عبادت می کند، به طور یقین یا از روی محبت و عشق است و یا از روی سپاس گذاری از آنچه فیض، رحمت، نعمت و مانند آن است. لذا عبودیت کامل آن است که انسان جز به معبود واقعی، یعنی کمال مطلق نیندیشد، جز در راه او گام برندارد و هرچه غیر او است فراموش کند. حتی خویشتن را فراموش نماید و این گونه عبادت است که هدف آفرینش را تأمین خواهد کرد. این گونه بندگی و پرستش، در واقع نمودار سپاس گذاری از حق بوده و نشان دهنده محبت و عشق بنده به خداوند است. اما اگر عبادت در همان آغاز از روی ترس یا طمع صورت بگیرد، گرچه مطلوب است، اما کامل و ایده آل نخواهد بود.

ثانیاً: اگر بندگی و عبادت، از اول بر اساس طمع در نعمت دنیایی و آخرتی باشد، عبادت مزدورانه است. اما اگر انسان بر اساس فرهنگ و حیانی عمل کند. یعنی مطالعه آثار الهی و نعمت های او، انسان را وادار نماید که از روی سپاس آن همه نعمت، خدا را عبادت نماید. همان عبادت سپاسی خواهد بود. با توجه به این بیان معلوم می شود که عبادت سپاسی، بعد از توجه به نعمت و شناخت نعمت و در مقام شکرگزاری از نعمت ها انجام می شود. برخلاف عبادت مزدورانه که در همان آغاز از روی طمع صورت می گیرد.

ثالثاً: در آیه دیگر، درباره عبادت سپاسی و پرستش از روی شکرگزاری آمده است: انّ الذین تعبدون من دون الله لایملکون لکم رزقاً فابتغوا عند الله الرزق و اعبدوه و اشکروا له. یعنی کسانی را که غیر از خدا پرستش می کنید مالک رزق شما نیستند، روزی را نزد خدا بطلبید و او را پرستش کنید و شکر او را بجا آورید. از این آیه بدست می آید که انگیزه برخی عبادت ها و یا اساساً انگیزه عبادت ها، حس شکرگزاری در مقابل مُنعم حقیقی است، و هر انسانی که می داند نعمت از آن خدا است و اوست

که نعمت می‌دهد، تنها او را عبادت می‌کند و از او شاکر است، پس عبادت شاکرانه است که بهترین و کامل‌ترین نوع عبادت‌ها محسوب می‌شود.

رابعاً: از آن جا که عبادت شاکرانه در واقع از روی عشق و اخلاص و محبت صورت می‌گیرد و هیچ گونه شائبه ترس و طمع در میان نیست، به همین جهت در بعضی روایات به جای «شکر» سخن از «حب» است، یعنی عبادت عاشقانه که تنها از روی دل دادگی و عشق به خدا و سپاس او انجام می‌گیرد.

امام علی (علیه‌السلام) در بخشی از حکمت ۱۳۵ «نهج‌البلاغه» می‌فرماید: (کسی که توفیق دعا یابد از اجابت محروم نمی‌گردد)؛ «مَنْ أُعْطِيَ الدَّعَاءَ لَمْ يُحْرَمِ الإِجَابَةَ». زیرا این وعده الهی است که فرموده است دعا کنید تا من اجابت کنم «أَدْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ» (قرآن کریم، سوره غافر، آیه ۶۰).

دعا، یکی از مهمترین عبادات و امور سرنوشت ساز در زندگی بشر است. انسان باید تمام تلاش و کوشش خود را در رسیدن به اهداف صحیح به کار گیرد؛ ولی در بسیاری از موارد عاجز و ناتوان می‌شود و دستش از همه جا کوتاه می‌گردد. اینجاست که رو به درگاه الهی می‌آورد و با اظهار عجز از لطف و کرم او استمداد می‌جوید و با این عمل، شایسته می‌شود که خدا آن نعمت را چنانچه صلاح او باشد به او بدهد و اگر صلاح او نباشد پاداش مهمتری - طبق آنچه در روایات آمده - برای او ذخیره می‌کند (مکارم شیرازی، ۱۱۹، ۱۳۹۰-۲۰).

امام علی (ع) در رابطه با اجابت دعا می‌فرماید: «کسی که توفیق دعا پیدا کند از اجابت محروم نمی‌گردد»؛ زیرا این وعده الهی است که می‌فرماید: «دعا کنید تا شما را اجابت کنم». لذا دعا یکی از مهمترین عبادات و امور سرنوشت‌ساز در زندگی بشر است که وقتی عاجز و ناتوان شده و دستش از همه جا کوتاه می‌شود، رو به درگاه الهی آورده و از لطف و کرم او استمداد می‌جوید. آنگاه اگر به صلاحش باشد به او می‌دهند وگرنه پاداش مهمتری را برای او ذخیره می‌کنند.

در این تحقیق نقش قواعد فقهی در خطبه های امام علی (ع) با تکیه بر نهج‌البلاغه (با تاکید بر عبادات) مورد بررسی قرار گرفته است. پیشنهاد می‌شود تحقیق دیگری انجام شود که در آن نقش بررسی قواعد فقهی (با تاکید بر عقود، ایقاعات، احکام) مورد بررسی قرار گیرد.

#### ۴- منابع

- ۱) راغب اصفهانی، ح. مفردات فی الفاظ القرآن، بیروت- شام، دار العلم- الدار الشامیة، ۱۴۱۲ق، تهران، انتشارات مرتضوی، ۱۳۶۲.
- ۲) سید رضی، م. نهج‌البلاغه، محقق: صبحی صالح، ص ۵۱۰، قم، هجرت، چاپ اول، ۱۴۱۴ق.
- ۳) مجلسی، م. بحارالانوار الجامعة لدرر اخبار ائمة الاطهار، چاپ چهارم، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۲.
- ۴) مطهری، م. مجموعه آثار شهید مطهری، تهران، انتشارات صدرا، ۱۳۷۲.
- ۵) علوی زاده شیرازی، صبا، کتاب قواعد فقهی در خطبه های امام علی (ع) با تکیه بر نهج‌البلاغه (با تاکید بر عبادات)